



شد که چرا تصاویر هوایی که از میدان بهارستان، در فیلم «فاطمی» استفاده شده به گونه‌ای است که نمای مخالف جهت مجلس دارد. در پاسخ باید گفت: اولاً محل سخنرانی دکتر فاطمی در بهارستان دقیقاً مقابل مجلس بود و ثانیاً فیلم‌برداری در چنین اماکنی به دلیل مسائل امنیتی تقریباً ناممکن است. برای دریافت مجوز فیلم‌برداری در اماکن خاص، از جمله منزل دکتر مصدق، آرامستان ابن بابویه، میدان بهارستان و میدان فاطمی، پروسه بسیار طولانی طی شد. با وجود همکاری برخی دوستان از ثارالله سپاه، در بسیاری از موارد جلوی کار ما گرفته شد و اجازه فیلم‌برداری صادر نشد. حتی در منزل دکتر مصدق، با وجود تجهیزات کامل و مجوزهای لازم، دو جلسه کامل از فیلم‌برداری ناکام ماند؛ به طوری که از صبح تا عصر فقط منتظر صدور مجوز بودیم و در نهایت اجازه کار داده نشد. اما نکته دیگر، چالش‌های داخلی بین عوامل درباره طراحی فیلم بود. در ساخت مستند باید مشخص شود که اثر با چه رویکردی تولید می‌شود. بسیاری از همکاران مستندساز، آثار خود را صرفاً برای جشنواره‌ها می‌سازند. اما ما این فیلم را برای مخاطب عام ساختیم. به همین دلیل، طراحی کار به گونه‌ای بود که اثر حتی برای یک جوان ۱۸ یا ۱۹ ساله، یا یک نوجوان ۱۵ یا ۱۶ ساله جذابیت داشته باشد و بتواند با آن ارتباط برقرار کند. از همین رو، آیتم‌هایی همچون سیاه‌بازی، موسیقی‌های خاص استاد سالار عقیلی، دیوار نوشته‌ها و در فیلم گنج‌نامه شد، البته نواقصی هم وجود دارد، اما ما از تئوری فراکتال الهام گرفتیم و از بسته‌های نمایشی، موسیقی و تئاتر بهره گرفتیم تا مخاطب عام، به ویژه جوانان که هدف اصلی ما بودند، بتوانند این فیلم را ببینند، لذت ببرند و با آن ارتباط برقرار کنند.

امروز ما به آن دوره بازمی‌گردیم. مطمئن هستیم که برای جوانان می‌تواند تأثیرگذار باشد و حتی بر شیوه‌های زندگی آنان اثر بگذارد.

همکاری گروه «هنر و تجربه» با شما چگونه بود؟

گروه هنر و تجربه بسیار خوب عمل کرد و ما واقعاً از مدیران این گروه سینمایی، سپاسگزاریم که با لطف و همراهی خود ما را تا این مرحله پشتیبانی کردند. اما به دلیل عدم حمایت درست از فیلم‌های مستند، ما نقد جدی به وزارت ارشاد داریم. وقتی یک گروه خصوصی با سرمایه شخصی چنین فیلمی را می‌سازد، حداقل انتظار این است که وزارت ارشاد حمایت کند. اگر چنین حمایتی وجود نداشته باشد، طبیعی است که گروه‌های مستقل و خصوصی دیگر انگیزه‌ای برای ساخت فیلم‌های بعدی نخواهند داشت. ما این فیلم را با مشکلات فراوان و بدون حمایت دولتی به پایان رساندیم. متأسفانه فیلم مستند در ایران تا حدودی مهجور است و حمایت‌های لازم از آن صورت نمی‌گیرد. برای من جای سؤال است که چگونه برخی فیلم‌ها که صرفاً جنبه تفریحی سطحی دارند و حتی برخی خانواده‌ها از تماشای آنها احساس معذوریت می‌کنند و آنرا یک هجو می‌دانند، پروانه نمایش دریافت می‌کنند، اما در مقابل، فیلمی با بار تاریخی و فرهنگی جدی، آن گونه که باید حمایت نمی‌شود. در حالی که بسیاری از این فیلم‌های سطحی آسیب‌های جدی به بنیاد خانواده می‌زنند و بدمواری‌هایی برای نوجوانان و جوانان دارند. به باور من، در کنار همه فیلم‌های سرگرم‌کننده که ساخته می‌شوند، هیچ اشکالی نخواهد داشت که فیلم‌های ملی و تاریخی نیز حمایت ویژه شوند؛ چرا که این آثار می‌توانند نسل جوان را به ریشه‌ها و وطن‌شان نزدیک‌تر کنند و انگیزه‌ای برای ساخت آثار مشابه درباره دیگر قهرمانان ملی به وجود آورند.

آیا جدا از خود فیلم، این ترانه‌ها پخش خواهند شد تا علاقه‌مندان استفاده کنند؟

هنوز نه، اما بعد از اکران ان‌شالله این امر میسر خواهد بود. یعنی زمانی که به پایان اکران اثر برسیم، این ترانه‌ها را از طریق کلیپ‌هایی که برایشان تهیه شده منتشر می‌کنیم.

استاد نصرالله مدق‌الچی گوینده متن این مستند و راوی آن هستند. با توجه به اینکه ایشان بسیار گزیده کار هستند همکاری با ایشان به چه صورت بود؟

بله استاد مدق‌الچی در انتخاب اثر بسیار سخت‌گیر هستند اما خدا را شکر طی جلسه‌ای که با ایشان داشتیم و بعد از اینکه فیلم‌نامه را خواندند و بخش‌های که تصویربرداری کرده بودیم را دیدند، لطف کرده و پذیرفتند که این کار را بخوانند. انتخاب آقای مدق‌الچی نیز چند دلیل داشت، اول اینکه ایشان صدای بی نظیری دارند و فکر می‌کنم همه‌ی ما صدای ایشان را خیلی دوست داریم و دوم اینکه من، به شخصه همیشه از صدای ایشان یک حس اطمینان دریافت می‌کنم یعنی آن چیزی که می‌گویند، ناخودآگاه آدمی را به این سمت می‌برد که، حقیقت را می‌شنود. به این دلیل از استاد خواهش کردیم و خدا را شکر انجام شد.

ترانه‌های این مستند به طور اختصاصی برای این اثر کار شد؟

بله، همانطور که پیشتر گفتیم، برای اینکه اثر بتواند در بین جوانان و نوجوانان جای خود را باز کند و دیده شود در طراحی‌های فیلم به چند نکته بسیار اهمیت دادیم یکی از این نکات موسیقی کار بود که دوتا ترانه اختصاصی برایش سروده شد، البته هنوز پخش نشده و همزمان با فیلم برای اولین بار از آنها رونمایی خواهد شد. یکی از این دو، ترانه «باغ سیلی خورده» با آهنگسازی آقای آرمان موسی‌پور در رابطه با شهدای راه وطن در قیام ۳۰ تیر است که با زحمات آقای آرمان موسی‌پور یک ترانه ویژه و خاص شده و شاعر کار نیز دوست عزیزم احسان افشاری هستند که امیدوارم



به مستندات مسجل و تأیید شده باشد. از همین رو من کاملاً مخالف آن هستم که یک مستندساز جریان فکری خاص یا دیدگاه شخصی خود را در اثر تزریق کند. در این اثر نیز تلاش ما این بود که بدون حساسیت و بدون جانبداری کار را پیش ببریم و با موافقان و مخالفان صحبت کردیم و کنششان را مورد مطالعه قرار دادیم و می‌توان گفت فیلم موجود، تقریباً برآیندی از تمام نظرات است. ما هیچ‌گاه نخواستیم نظر خودمان را به دلیل سیمبانی نسبت به دکتر فاطمی، در قالب روایت به مخاطب تحمیل کنیم و به باور من، در فیلم مستند، همان گونه که از نامش پیداست، نباید چنین اتفاقی رخ دهد. وظیفه ما این است که صادقانه و امانت‌دارانه عمل کنیم و دقیقاً همان روایتی را که رخ داده، منتقل کنیم.

تاکنون بازخوردها چگونه بوده است؟ آیا توانستید مخاطبی را که انتظار داشتید جذب کنید؟

خوشبختانه بازخوردها امیدوارکننده بوده است. ما برای اطمینان، آزمایش‌هایی انجام دادیم. به عنوان نمونه، گروهی از جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله را که نه ارتباطی با تاریخ داشتند و نه از رشته‌های مرتبط بودند، چه دانشجوی و چه غیردانشجو، به سالن دعوت کردیم. فیلم را برای آنان نمایش دادیم و در کنار باز گذاشتن درب سالن، اعلام کردیم که هر زمان خواستند، می‌توانند سالن را ترک کنند. اما خوشبختانه با وجود ۸۰ دقیقه زمان نمایش، هیچ‌کس سالن را ترک نکرد. این موضوع برای ما نشانه‌ای است که طراحی درست بوده و توانسته‌ایم حتی جوانان این رده سنی را جذب کنیم. امیدواریم مردم فیلم را ببینند، چرا که آموزه‌های بسیاری در خود دارد و ریشه‌های بسیاری از مسائل

آیا همکاری شما با آقای عسگری کیا سابقه‌دار است، یا این نخستین تجربه مشترک شما محسوب می‌شود؟

آقای فرشاد عسگری کیا بیش از پانزده سال است که دوست و همکار من هستند. اما این مستند، نخستین تجربه جدی ما در حوزه مستند بلند محسوب می‌شود.

در بخشی از فیلم، از سیاه‌بازی و کاراکتر «سیاه» استفاده شده است. همچنین اشعاری در کار وجود دارد که سروده‌های سال ۱۳۲۰ از آقای پرویز خطیبی است. دسترسی شما به این اشعار چگونه بود و چه نگاهی در انتخاب آنها داشتید؟

در طراحی فیلم، برای ما بسیار مهم بود که نشان دهیم مردم آن دوره برای بیان انتقادات و رساندن حرف خود به جامعه چه امکاناتی در اختیار داشتند. چرا که نه تلویزیونی وجود داشت، نه روزنامه‌ها به شکل امروزی فعالیت می‌کردند و نه فضای مجازی در کار بود. تنها دو امکان عمده برای مردم باقی می‌ماند: نخست، دیوارنویسی بر ساختمان‌ها که ما در فیلم بازسازی و استفاده کردیم؛ و دوم، پیش‌پرده خوانی‌هایی که پیش از آغاز نمایش‌ها و فیلم‌ها اجرا می‌شد. در همان دوره، زنده‌یاد مرتضی احمدی و عزت‌الله انتظامی این اشعار را در قالب پیش‌پرده خوانی اجرا می‌کردند. حتی در تحقیقات به این نکته رسیدیم که گاه این اجراها به دلیل انتقادات تند، با ضرب و شتم نیروهای حکومتی مواجه و برنامه‌ها مختل می‌شد. اشعاری که در فیلم استفاده شده دقیقاً همان اشعاری است که در آن دوره توسط این بزرگان اجرا می‌شد تا صدای نقد مردم به گوش عموم برسد. بیشتر این سروده‌ها متعلق به آقای پرویز خطیبی بود که برای ما بسیار جالب و مرتبط با فیلم‌نامه جلوه کرد. تنها یک بند از اشعار توسط همکار عزیزم، آقای احسان افشاری سروده شد که در بخش پایانی و در قالب سیاه‌بازی به کار رفت.

یکی از نکات جالب این است که وقتی مستندساز به سراغ کاراکترهایی می‌رود که در تاریخ جایگاهی خاص دارند تا چه حد باید با اندیشه‌ای باز و بدون سوگیری، با کشفیاتش در مسیر تولید اثر روبرو شود تا دچار خطا نشده و فکر شخصی خود را به اثر تحمیل نکند؟

تقریباً در کارهای تاریخی، قالب کار مشخص است و اساساً یک فیلم مستند تاریخی شریف، باید وفادار